

مقایسه ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر فرزندی با سازگاری اجتماعی در فرزندان جانباز و عادی شهر تهران

دکتر محمد خدایاری فرد*

چکیده

یکی از پیامدهای «جنگ»، مجروحانی هستند که دچار صدمات جسمی، روانی و عاطفی شده‌اند که به نوبه خود می‌تواند مشکلات روانی و رفتاری متعددی برای فرد جانباز و اعضای خانواده وی به وجود آورد. از این رو، بررسی و شناسایی عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی آنان به منظور تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب، واجد اهمیت است. هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر - فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و عادی شهر تهران می‌باشد. روش پژوهش پس رویدادی است و جامعه آماری شامل دانش آموزان دختر و پسر خانواده‌های جانبازان و عادی سال‌های اول تا سوم دبیرستان شهر تهران بود. نمونه آماری ۴۸۰ دانش آموز را در بر می‌گرفت که ۲۴۰ نفر متعلق به خانواده‌های جانبازان و ۲۴۰ نفر نیز مربوط به خانواده‌های عادی بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از مناطق شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق تهران انتخاب شدند. ابزار سنجش این پژوهش «پرسشنامه‌های نحوه ارتباط پدر - فرزندی، بخش سازگاری اجتماعی» «آزمون شخصیتی کالیفرنیا»، و «پرسشنامه نگرش مذهبی» بود. در این پژوهش علاوه بر آمار توصیفی از آمار استنباطی و رگرسیون چندگانه نیز استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین نگرش مذهبی و رابطه پدر - فرزندی با

* دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سازگاری اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نگرش مذهبی دانش آموزان پسر فرزند جانباز نسبت به دانش آموزان پسر افراد عادی قوی تر بود، اما بین دانش آموزان دختر تفاوت معناداری مشاهده نشد. هم چنین بررسی سازگاری اجتماعی فرزندان در هر دو گروه نشان داد که رابطه پدر - فرزندی و نگرش مذهبی دانش آموزان نقش مهم و اساسی در سازگاری اجتماعی آنان دارد. در پایان، هم سوئی و ناهم سوئی یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین مورد بحث واقع شده است.

کلید واژه‌ها: نگرش مذهبی، رابطه پدر - فرزندی، سازگاری اجتماعی، جانباز.

● مقدمه

«خانواده»، به عنوان رکنی مهم در رشد و اعتلای شخصیت انسان همواره مطرح بوده است. در بحث «آسیب‌شناسی خانواده» می‌توان به عوامل مختلفی اشاره کرد که عموماً یا به شرایط محیطی برمی‌گردند و یا به روابط بین اعضای حاضر در خانواده. یکی از عوامل آسیب‌رسان به ساختار خانواده، «معلولیت» یکی از اعضای خانواده می‌باشد. معلولیت می‌تواند در اثر حوادثی همچون جنگ ایجاد شده باشد که گاه عضو فعال، ارشد و دلسوز خانواده، یعنی پدر، را متأثر می‌سازد و فرزندان نیز با تأثیرپذیری از این مسئله، دچار مشکلات جدیدی می‌شوند. «جنگ»، مجروحانی به جای می‌گذارد که گاه آنان را در دوره‌ای از زندگی یا برای همیشه با مشکلات جسمانی - روانی مواجه می‌سازد. این مشکل پیامدهای روانی و رفتاری متعددی برای فرد جانباز و دیگر اعضای خانواده او به همراه دارد.

اولین بار عوارض ناشی از جنگ در جنگ‌های داخلی آمریکا (۱۸۶۱-۱۸۶۵) مورد توجه قرار گرفت. در این جنگ پزشکان، اختلال‌های هیجانی «غیرروان پریشی»^۱ را تحت عنوان «نوستالوژی»^۲ یا غم غربت مطرح کردند و معتقد بودند که این اختلال به طور عمده در اثر دوری از محیط خانواده در افرادی ظاهر می‌شود که شخصیت مناسبی برای تطابق با مقتضیات زمان جنگ ندارند (کاپلان، فریدمن و سادوک، ۱۹۸۰). شروع جنگ جهانی اول، مفهوم «اختلال تیندگی پس از ضربه (PTSD)»^۳ را به طور نزدیکی در ارتباط با تاریخ جنگ قرار داد. تعداد قابل توجهی از سربازان شرکت کننده در این جنگ از موج انفجار رنج می‌بردند. در زمان وقوع این جنگ (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، پزشکان انگلیسی و فرانسوی اصطلاحات تشخیصی «روان رنجوری جنگ»^۴ و «شوک انفجار»^۵ را به کار بردند. در حقیقت به کار بردن اصطلاح شوک انفجار، ناشی از این تحلیل بود که انفجار گلوله‌های توپ موجب تغییرات فشارجوی و تولید گاز منواکسیدکربن می‌شود و در نتیجه به آسیب عضوی مغز منجر می‌شود و به صورت اختلال روانی تجلی می‌کند

(کاپلان و همکاران، ۱۹۸۰).

در پژوهشی، نامداری (۱۳۶۸)، در مورد نوع و میزان مشکلاتی که جانبازان با آن مواجه هستند، دریافت آنها (چهل نفر از جانبازان جنگ تحمیلی با دامنه سنی ۱۹ تا ۵۸ سال) از مشکلات زیر در رنج بودند: گوشه گیری و انزواطلبی، افسردگی، بی حوصلگی، دلهره و اضطراب، حساسیت، ترس از آینده، احساس ناتوانی و وابستگی، احساس خجالت درونی، احساس گناه و حقارت، احساس بی کفایتی و بیهودگی، احساس جدایی از اجتماع، اختلال‌های خواب، عدم اعتماد به نفس، کم اشتها و احساس عدم پذیرش اجتماعی.

محمدی و رضاییان (۱۳۷۰)، در بررسی مشکلات رفتاری فرزندان جانبازان و شهدا، با استفاده از پرسشنامه راتر^۶ و اجرای آن روی گروه نمونه‌ای شامل ۱۲۵ نفر نشان دادند که در گروه جانبازان اعصاب و روان می‌توان انتظار داشت که بیماری روانی و پیامدهای آن از قبیل بروز اختلال در روابط بین فردی، بیکاری و از دست دادن شغل و افت اقتصادی - اجتماعی خانواده و سایر مسایل بر نظام خانواده، به ویژه فرزندان، تاثیر بگذارد و زمینه را برای آسیب پذیری آنان افزایش دهد. بروز چند عامل خطر آفرین، میزان آسیب پذیری و احتمال بروز مشکلات رفتاری را در کودکان افزایش می‌دهد. در گروه کودکانی که پدران آنها دچار صدمات جسمانی بالا بودند، مسلماً بروز چنین حالاتی باعث ایجاد مشکلات در سازگاری فرزندان و عملکرد عادی روزانه ایشان می‌شود.

از جمله عواملی که بر ویژگی‌های شخصیتی معلولان مؤثر است، اثرات محدودیت‌های جسمی و روانی بر نظام خانواده است. مک‌کویین^۷ و همکارانش (۱۹۷۴)، به نقل از فرشیدفر، (۱۳۷۱)، در پژوهشی که درباره اثرات جدایی و پیوستن مجدد رزمنده به خانواده انجام دادند، تنیدگی‌های شدیدی را گزارش می‌کنند. آنها مشاهدات خود را چنین اظهار می‌دارند: زمانی که رزمنده نزد خانه‌اش باز می‌گردد، قبول اعضای این ساختار جدید خانواده برای او سخت به نظر می‌رسد و ذهنیت‌های عالی را پیدا می‌کند. برای مثال، ممکن است اعضای این نظام و ساختار جدید در غیاب رزمنده آموخته‌اند که همه مسئولیت‌ها و وظایف او را به خوبی انجام دهند. این موضوع برای وی تنیدگی شدیدی را ایجاد کند. مک‌کویین و همکارانش به این نتیجه رسیدند که علت اصلی ایجاد این گونه فشارهای روانی رقابت‌ها، دخالت‌ها و اعمال نظرهایی است که بین رزمنده و اعضای خانواده‌اش به وجود آمده است. این وضعیت گاه آن قدر شدت می‌یابد که رزمنده خود را غریبه می‌پندارد. زیرا اعضای خانواده به نظرات و خواسته‌های او بها نمی‌دهند و به اصطلاح معمول «حرف او را دیگر نمی‌خوانند».

پارسونز، کهل و اوئن (۱۹۹۰)، در بررسی میزان مشکلات رفتاری در کودکانی که پدرانشان در جنگ ویتنام شرکت کرده بودند و دچار اختلال PTSD بودند، با استفاده از یک فهرست بازبینی رفتاری و اجرای آن روی ۱۰۷ نفر سرباز باتجربه و ۱۹۱ نفر از فرزندان آنها، فقدان خودکنترلی، پرخاشگری و بیش‌فعالی و بزهکاری را در فرزندان گزارش کرده‌اند.

در پژوهش دیگری احدی (۱۳۷۱)، با هدف شناسایی، طبقه‌بندی و ریشه‌یابی مسایل و مشکلات جانبازان نشان داد که جانبازان مسایل متعددی دارند. این پژوهش توصیفی و مشکل‌یابی روی ۲۵۰۰ جانباز انجام شد. نتایج این مطالعه در سؤال «چه مشکلاتی دارید؟» موارد زیر را نشان داد: مشکلات درمانی ۲۰ درصد، مادی ۱۴ درصد، شغلی ۱۱ درصد، بهداشتی ۲ درصد، و عاطفی ۱/۳ درصد. هم‌چنین نتایج این بررسی در سؤال «آیا پس از جانباز شدن مشکل جسمی دیگری نیز پیدا کرده‌اید یا نه؟» موارد زیر را مشخص کرد: بیماری‌ها و دردهای متغیر بدن ۱۴ درصد، میگرن ۹ درصد، کم‌خونی و بی‌خوابی ۹ درصد، بیماری آسم و تنگی نفس ۴ درصد، بی‌اشتهایی و کم‌اشتهایی ۳ درصد و زخم معده ۳ درصد. پژوهش‌های فوق به مشکلات فرد جانباز و سایر پژوهش‌ها به آثار این موضوع روی خانواده و فرزندان پرداخته‌اند. معلولیت جسمی پدر مشکلات جدی برای همسر و فرزندان نیز در پی خواهد داشت. معلولیت پدر مانع از برقراری ارتباط مناسب کودک با وی می‌شود. به طوری که کودک در مقایسه پدر معلول خود با سایر افراد عادی، بیشتر نگران می‌شود؛ نسبت به روابط با همسالان خود با پدرانشان بیشتر حساس می‌شود. بنابراین زمینه از هر سو برای ناسازگاری‌های کودک آماده می‌شود (کلانتری، ۱۳۷۱).

فیربنک، شنگر و کادل (۱۹۹۳)، در بررسی تأثیر مشکلات جسمی و روانی پدر روی فرزندان، خاطر نشان می‌سازد که کودکان سربازان ویتنامی نیز همانند پدران خویش به نشانه‌های اضطراب مبتلا بودند. دبراه، تورنر و رومن (۱۹۹۳)، در مطالعه سازگاری کودکانی که والدین آنها دچار درد مزمن بودند، در گروه نمونه‌ای مشتمل بر ۳۵ نفر با دامنه سنی ۶ تا ۱۶ سال نشان دادند کودکان این گروه از والدین، مشکلات رفتاری بیشتر و شایستگی اجتماعی کمتری دارند.

باتوجه به نتایج پژوهش‌های فوق می‌توان گفت، جنگ و عواقب آن، علاوه بر تأثیر منفی بر فرد رزمنده یا مجروح جنگی، خانواده و فرزندان او را آسوده نمی‌گذارد و حتی سالیان پس از اتمام جنگ نیز می‌توان به طرق مختلف شاهد عوارض و عواقب آن بود.

در پژوهشی قهاری (۱۳۷۵)، با هدف مقایسه اختلال‌های روانی، در کودکان یتیم (مرگ پدر به صورت طبیعی)، شاهد (مرگ پدر به علت حضور در جنگ عراق علیه ایران) و جانباز به این

نتیجه رسید که گروه‌های آزمایشی «شاهد»، «یتیم» و «جانباز» در مقایسه با کودکان عادی به اختلال‌های روانی بیشتر دچارند. ضمناً اختلال‌های روانی فرزندان جانباز از دیگر افراد مورد بررسی بیشتر بود. استنباط محقق از افزایش اختلال‌های روانی در فرزندان جانبازان این بود که بین معلولیت پدر و اختلال‌های روانی فرزندان رابطه وجود دارد. از نتایج دیگر پژوهش این بود که نیمی از جانبازان مورد مطالعه وی، به دلیل معلولیت خویش محیط خانواده را متشنج می‌ساختند.

نوفلاح (۱۳۷۹)، با بررسی میزان تنیدگی فرزندان جانبازان (اعصاب و روان و قطع عضو) به این نتیجه دست یافت که میزان تنیدگی در فرزندان جانبازان اعصاب و روان با فرزندان جانبازان قطع عضو به طور معناداری متفاوت است. ضمناً در این پژوهش میزان تنیدگی دختران جانبازان از پسران ایشان بیشتر بود. نتایج دیگر این پژوهش به قرار زیر است: الف) بین میزان تنیدگی در فرزندان جانبازان اعصاب و روان و فرزندان جانبازان قطع عضو در حوزه‌های تنیدگی تحصیلی، خانوادگی، فردی، اقتصادی و همسالان تفاوت معناداری وجود دارد، ب) بین میزان تنیدگی در حوزه‌های پنج‌گانه مذکور در فرزندان جانبازان اعصاب و روان و قطع عضو با جنس آن‌ها، همبستگی معناداری وجود دارد.

ویسمه (۱۳۷۹)، در بررسی میزان افسردگی در فرزندان (پسر) جانبازان و ارتباط آن با نوع جانبازی پدران و نحوه ارتباط با پدرانشان با استفاده از تست افسردگی بک و پرسشنامه نحوه ارتباط پدر - پسر بر روی ۱۲۰ نفر از فرزندان پسر جانبازان شهر تهران به این نتیجه رسید که بین میزان افسردگی پسران جانبازان دارای نقص بینایی با پسران جانبازان ترکش خورده تفاوت معناداری وجود دارد. هم‌چنین بین افسردگی پسران جانبازان دارای نقص بینایی با میانگین افسردگی پسران جانبازان ترکش خورده و اعصاب و روان و شیمیایی تفاوت معنادار وجود دارد. بین افسردگی پسران جانبازانی که با پدرشان ارتباط قوی داشتند با افسردگی پسران جانبازی که با پدرشان ارتباطی ضعیف داشتند، تفاوت معناداری وجود داشت؛ که گروه اول افسردگی کمتری داشتند.

تأمین سلامت روانی فرزندان از سوی خانواده و اجتماع، امری است که در دنیای کنونی با مسایلی روبه‌رو شده است و عوامل تأثیرگذار زیادی در این خصوص نقش تعیین‌کننده دارند. از آنجایی که نوجوانان و جوانان از منابع مختلفی تأثیرپذیر هستند، نمی‌توان ادعا کرد که همه عوامل تأمین‌کننده سلامت روانی ایشان قابل تشخیص است. سازگاری اجتماعی فرزندان نیز از جمله مؤلفه‌های سلامت روانی می‌باشد. بنابراین یکی از سئوالهای پژوهش مقاله حاضر این

بوده است که چه رابطه‌ای بین روابط پدر - فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و عادی وجود دارد؟

از طرفی نگرش مذهبی و مذهب، دو عاملی هستند که می‌توانند با سازگاری اجتماعی نوجوانان و جوانان در ارتباط باشند. پس سؤال دیگر این است که چه رابطه‌ای بین نگرش مذهبی و سازگاری اجتماعی فرزندان جانبازان و غیرجانبازان وجود دارد؟ یکی از مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است نشان داده اگرچه گروه هم‌سالان و دوستان نقش بسیار مهمی در گرایش به سمت بزهکاری ایفا می‌کنند، عامل مذهب نیز به نوبه خود سهم مهمی در جلوگیری از گرایش به سوی بزهکاری دارد (چادویک و تاپ، ۱۹۹۳). در مطالعه‌ی لو و هاندال (۱۹۹۵)، روی گروه نمونه ۵۰ نفری دانشجویان از سه دانشگاه مختلف، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه آشکار ساخت که ابعاد متفاوت نگرش مذهبی پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای مقیاس‌های فرعی سازگاری دانشجویان بودند. هم‌چنین دانشجویان دختر و پسر از نظر نگرش مذهبی تفاوت معناداری داشتند، که دانشجویان دختر نمرات بالاتری نسبت به پسران داشتند. با توجه به مطالب پیش‌گفته، هدف از پژوهش حاضر «تعیین ارتباط نگرش مذهبی و رابطه پدر فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و عادی شهر تهران» بوده است.

● روش‌شناسی پژوهش

طرح تحقیقی این پژوهش از نوع پس‌رویدادی علی‌مقایسه‌ای و جامعه‌آماری آن را دانش‌آموزان دختر و پسر خانواده‌های جانبازان و غیرجانبازان در سال‌های اول، دوم و سوم (به ترتیب ۴۱/۹٪، ۳۰/۱٪ و ۲۵/۸٪) دبیرستان‌های شهر تهران تشکیل می‌دهند. نمونه‌آماری پژوهش حاضر ۴۸۰ دانش‌آموز است که ۲۴۰ نفر فرزند جانباز (۵۰ درصد پسر و ۵۰ درصد دختر) و ۲۴۰ نفر فرزند غیرجانباز (۵۰٪ پسر و ۵۰٪ دختر) و بر پایه روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. بدین صورت که از بین مناطق ۱۹گانه تهران، پنج منطقه به طور تصادفی انتخاب شدند. این مناطق از شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق تهران برگزیده شدند. ذکر این نکته ضروری است که در هر منطقه آموزشی، یک مدرسه شاهد و ایثارگر وجود دارد و پژوهشگران ناگزیر بودند که کلیه دانش‌آموزان فرزند جانباز را مورد بررسی قرار دهند. نمونه‌گیری فرزندان غیرجانباز نیز به این شکل انجام شد که به تعداد دانش‌آموزان فرزند جانباز هر منطقه، فرزند غیرجانباز از همان منطقه به صورت تصادفی انتخاب شدند.

○ ابزارهای اندازه‌گیری

□ «پرسشنامه رابطه پدر-فرزندی»: این پرسشنامه ۲۰ سؤالی نوع رابطه پدر-فرزندی را می‌سنجد. این پرسشنامه قبلاً توسط ویسمه (۱۳۷۹)، براساس پرسشنامه ابعاد رفتار والدین نقاشیان (۱۳۵۸)، و براساس کارهای شیفر^۸ تنظیم و استفاده شده است. «روایی» پرسشنامه بر اساس روایی محتوایی و نیز روایی صوری مناسب و قابل قبول است. این روایی توسط پنج نفر از اعضای متخصص (دو نفر متخصص روان‌سنجی و سه نفر با تخصص روان‌شناسی) مورد بررسی قرار گرفت. «اعتبار» پرسشنامه نیز با روش انسجام درونی سوالات پرسشنامه و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. در گزارش ویسمه (۱۳۷۹)، ضریب آلفای کرونباخ برابر با $a = 0.83$ گزارش شده است. این مقدار بالاتر از 0.70 درصد و نشان دهنده انسجام و همبستگی درونی بسیار خوب است. در مطالعه مقدماتی، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در گروه نمونه ۴۸ نفری برابر با $a = 0.70$ بود که نشان می‌دهد سوالات از انسجام و همبستگی مطلوبی برخوردارند.

□ مقیاس سازگاری اجتماعی آزمون شخصیتی کالیفرنیا (CTP)^{۱۱}: این آزمون نیم‌رخ سازگاری اجتماعی فرد را اندازه‌گیری می‌کند که توسط تورپ، کلارک، و تیگز (۱۹۵۳)، منتشر شده است. آزمون دارای پنج سطح سنی پیش دبستانی، دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و بزرگسالی است که سطح دبیرستانی آن در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. مقیاس سازگاری اجتماعی آزمون دارای شش خرده‌مقیاس «قلب‌های اجتماعی»، «مهارت‌های اجتماعی»، «گرایش ضد اجتماعی»، «روابط خانوادگی»، «روابط مدرسه‌ای» و «روابط اجتماعی» است. هر خرده‌مقیاس دارای ۱۵ سؤال است که در مجموع شامل ۹۰ سؤال می‌شود. پاسخ به سوالات آزمون به صورت «بلی» یا «خیر» است. در دفترچه راهنمای آزمون در خصوص «روایی» آن بیان شده که سوالات آزمون بر اساس قضاوت معلمان، مدیران و واکنش دانش‌آموزان انتخاب شده است. «اعتبار» آزمون نیز به وسیله دو نیمه کردن آزمون با روش اسپیرمن-براون برای خرده‌مقیاس‌های سازگاری اجتماعی از 0.87 تا $a = 0.90$ گزارش شده است که نشان دهنده انسجام درونی و اعتبار مناسب مقیاس‌های می‌باشد.

□ پرسشنامه نگرش مذهبی: برای اندازه‌گیری نگرش مذهبی دانش‌آموزان گروه نمونه از «پرسشنامه نگرش مذهبی خدایاری فرد» و همکاران (۱۳۷۸) استفاده شد. این پرسشنامه در اصل دارای ۴۲ سؤال است که برای دانشجویان تنظیم شده است. در این پژوهش با بررسی به عمل آمده یک سؤال - که بالاتر از سن دانش‌آموزان برآورده شده بود - حذف و پرسشنامه با ۴۱ سؤال نهایی شد. پاسخگویی به سوالات پرسشنامه در قالب لیکرت پنج درجه‌ای «کاملاً مخالفم»،

«مخالفم»، «نظری ندارم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» انجام می‌شود. «روایی» پرسشنامه با روایی همزمان برآورده شده است. به این شکل که ضریب همبستگی سئوالات نگرش مذهبی با سئوالات ارزیابی میزان مذهبی بودن از نظر خود، خانواده، دوستان، همکلاسی‌ها، استادان و افراد غیر آشنا و سایر مردم محاسبه شده که مقدار آن از $r = 0/32$ تا $r = 0/57$ گزارش شده است. این مقدار ضریب، نشان‌دهنده همبستگی مثبت و معناداری بود. «اعتبار» پرسشنامه نیز با ضریب آلفای کرونباخ برابر با $a = 0/95$ ؛ با روش تنصیف و اسپیرمن-بروان برابر با $r = 0/93$ و فرمول گاتمن $r = 0/92$ گزارش شد، که نمایانگر اعتبار مطلوب و مناسبی است.

○ شیوه اجرا

اجرای نهایی این پرسشنامه‌ها بدین صورت بود که در ابتدا دانش‌آموزان مورد مطالعه هر مدرسه در یک کلاس گردهم آورده می‌شدند و سپس آزمونگر هدف از اجرای این آزمون‌ها را برای دانش‌آموزان توضیح می‌داد. پس از جلب اطمینان لازم و ایجاد رابطه خوب با دانش‌آموزان و ارائه دستورالعمل‌های لازم برای تکمیل پرسشنامه‌ها از دانش‌آموزان خواسته می‌شد که در ابتدا در مرحله اول به «پرسشنامه‌های پدر-فرزندی و رفتار اجتماعی» پاسخ دهند و پس از یک پذیرایی مختصر به «پرسشنامه نگرش اعتقادی» جواب دهند. پس از گردآوری داده‌های پژوهش، داده‌ها، کدبندی شده و پس از ورود به رایانه و آزمایش آن‌ها بوسیله نرم‌افزار SPSS پردازش شدند. برای پردازش داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسن، تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

● یافته‌های پژوهش

□ یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد که «میانگین» و «انحراف معیار» رابطه پدر-فرزندی در کل برابر با $SD = 8/78$ و $M = 56/9$ است که به حداکثر نمره آن، یعنی 80 تقریباً نزدیک است و نشان می‌دهد که در مجموع «رابطه پدر-فرزندی» گروه مورد مطالعه در حد مطلوب و مناسبی است. میانگین و انحراف معیار «رابطه پدر-فرزندی» گروه والدین جانباز ($M = 57/84$) بالاتر از والدین گروه غیر جانباز ($M = 55/88$) و بیانگر آن است که رابطه بین جانبازان و فرزندانشان مطلوب‌تر از رابطه پدر-فرزندی افراد غیر جانباز می‌باشد. میانگین و انحراف معیار «نگرش مذهبی دانش‌آموزان» برابر با $SD = 7/27$ و $M = 106/7$ است که با در نظر گرفتن حداکثر نمره آن، یعنی 155 ، مشخص می‌شود که نگرش مذهبی دانش‌آموزان بالاتر از حد متوسط بوده و دارای

نگرش مذهبی نسبتاً قوی هستند. میانگین و انحراف معیار نگرش مذهبی فرزندان جانباز (SD=۶/۹ و M=۱۰۷/۳۰)، قوی‌تر از نگرش مذهبی فرزندان غیرجانباز (SD=۷/۸ و M=۱۰۶/۱۶) می‌باشد. میانگین و انحراف معیار «سازگاری اجتماعی» در زمینه قالب‌های اجتماعی برابر با SD=۲ و M=۱۳/۰۱ است که به حداکثر نمره مقیاس یعنی ۱۵ بسیار نزدیک می‌باشد. میان آن است که دانش‌آموزان معیارها و ملاک‌های قابل قبول جامعه خود را پذیرفته و آن را به درستی درک کرده‌اند. این میانگین در بین دانش‌آموزان گروه جانباز بالاتر از دانش‌آموزان گروه غیرجانباز می‌باشد. میانگین و انحراف معیار «مهارت‌های اجتماعی» برابر با SD=۲/۳۶ و M=۹/۳ است و از نمره حداکثر، یعنی ۱۵، فاصله دارد. این مقدار بیانگر آن است که میزان مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان در حد بالاتر از متوسط قرار دارند و تفاوت چندانی بین دانش‌آموزان گروه جانباز و غیر جانباز وجود ندارد. میانگین و انحراف معیار «گرایش ضد اجتماعی» برابر با SD=۱/۷۸ و M=۹/۴ است که از حداکثر آن، یعنی ۱۵ پایین‌تر است؛ اما این مقدار بالاتر از حد متوسط آن است و نشان می‌دهد که گرایش ضد اجتماعی دانش‌آموزان پایین است، زیرا هرچه نمره پایین‌تر باشد گرایش ضد اجتماعی بالاتر است. میانگین و انحراف معیار روابط خانوادگی برابر با SD=۲/۹۸ و M=۹ است که از حداکثر آن، یعنی ۱۵ پایین‌تر است. این مقدار در حد مطلوب و مناسبی است و از حد متوسط بالاتر است و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به روابط و علائق خانوادگی پایبند هستند. این میانگین در دانش‌آموزان گروه جانباز بالاتر از گروه غیر جانباز است (M=۸/۶۵ عادی و M=۹/۳۶ جانباز). «روابط مدرسه‌ای» دانش‌آموزان دارای میانگین و انحراف معیار SD=۲/۲۶ و M=۸/۵ است. در مقایسه با سایر زمینه‌های سازگاری اجتماعی پایین‌ترین نمره زیر مقیاس روابط مدرسه‌ای می‌باشد و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان علاقه چندانی به مدرسه ندارند و از بودن با دانش‌آموزان دیگر خیلی لذت نمی‌برند و تکالیف مدرسه را مناسب با علائق و استعدادها خود نمی‌دانند. تفاوت چندانی بین دانش‌آموزان گروه جانباز و غیر جانباز ملاحظه نمی‌شود. «روابط اجتماعی» دانش‌آموزان دارای میانگین و انحراف معیار SD=۲/۵۷ و M=۸/۲ است که در این زیر مقیاس هم مشخص می‌شود که دانش‌آموزان چندانی از فعالیت‌های اجتماعی و روابط با افراد جامعه لذت نمی‌برند. و این میزان در بین دانش‌آموزان غیر جانباز بیشتر از دانش‌آموزان گروه جانباز می‌باشد (M=۷/۹۱ عادی و M=۸/۵۸ جانباز). در مجموع، «میزان سازگاری اجتماعی» برابر با میانگین و انحراف معیار SD=۸/۳۳ و M=۵۸/۱۴ است که از حداکثر آن ۹۰، زیاد پایین نیست و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دارای سازگاری اجتماعی مناسب و مطلوبی هستند و این سازگاری اجتماعی نزد

دانش آموزان گروه جانباز بالاتر از دانش آموزان غیر جانباز است.

□ برای تعیین ارتباط بین «نگرش مذهبی» با «سازگاری اجتماعی»، ضریب همبستگی پیرسن محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- خلاصه نتایج ضریب همبستگی پیرسن نگرش مذهبی دانش آموزان با سازگاری اجتماعی

متغیر آماری	قالب‌های اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	گرایش ضد اجتماعی	روابط خانوادگی	روابط مدرسه‌ای	روابط اجتماعی	سازش اجتماعی
ضریب همبستگی	۰/۲۵	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۱۹	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۱۷
تعداد	۴۳۱	۴۱۳	۴۱۸	۴۱۶	۴۲۳	۴۸۱	۳۳۳
سطح معناداری	۰/۰۱*	۰/۰۵*	۰/۲	۰/۰۱**	۰/۱	۰/۷	۰/۰۱*

** p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

طبق یافته‌های جدول ۱ «نگرش مذهبی» با «قالب‌های اجتماعی» ($r=0/25$ و $p < 0/01$)، «مهارت‌های اجتماعی» ($r=0/10$ و $p < 0/05$)، «روابط خانوادگی» ($r=0/19$ و $p < 0/01$) همبستگی مثبت معناداری دارد. اما بین «نگرش مذهبی» با «گرایش ضد اجتماعی»، «روابط مدرسه» و «روابط اجتماعی» رابطه معناداری وجود ندارد. در مجموع، بین «نگرش مذهبی» با «سازگاری اجتماعی» همبستگی معناداری ($r=0/17$ و $p < 0/01$) وجود دارد، به نحوی که دانش آموزان با نگرش مذهبی بالاتر سازگاری اجتماعی بهتری دارند و این سازگاری در زمینه‌های قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و روابط خانوادگی بیشتر است. برای تعیین ارتباط بین «رابطه پدر- فرزند» با «سازگاری اجتماعی» فرزندان نیز ضریب همبستگی پیرسن آنها محاسبه شد (جدول ۲).

جدول ۲- خلاصه نتایج ضریب همبستگی پیرسن رابطه پدر- فرزند با سازگاری فرزندان

متغیر آماری	قالب‌های اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	گرایش ضد اجتماعی	روابط خانوادگی	روابط مدرسه‌ای	روابط اجتماعی	سازش اجتماعی
ضریب همبستگی	۰/۲۴	۰/۱۶	۰/۱۸	۰/۴۵	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۳۳
تعداد	۴۰۰	۳۸۸	۳۸۹	۳۹۰	۳۸۶	۳۷۱	۳۱۲
سطح معناداری	۰/۰۱*	۰/۰۱**	۰/۰۱**	۰/۰۱**	۰/۲۵	۰/۰۵*	۰/۰۱**

** p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

طبق نتایج به دست آمده از جدول ۲، در رابطه با بررسی ارتباط بین روابط پدر- فرزند با سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و غیرجانباز مشخص شد که بین رابطه پدر- فرزند با

پذیرش قالب‌های اجتماعی ($r=0/24$ و $p < 0/01$)، مهارت‌های اجتماعی ($r=0/16$ و $p < 0/01$)، گرایش اجتماعی ($r=0/18$ و $p < 0/01$)، روابط خانوادگی ($r=0/45$ و $p < 0/01$) و روابط اجتماعی ($r=0/11$ و $p < 0/05$) همبستگی مثبت معناداری وجود دارد؛ به صورتی که با افزایش بهبود رابطه پدر - فرزندی، «سازگاری اجتماعی» در زمینه‌های قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، گرایش اجتماعی، روابط خانوادگی و روابط اجتماعی نیز بهبود می‌یابد. در مجموع، رابطه پدر - فرزندی دارای همبستگی مثبت معناداری ($r=0/33$ و $p < 0/01$) با سازگاری اجتماعی است؛ به گونه‌ای که دانش آموزان دارای رابطه پدر - فرزندی مناسب، از سازگاری اجتماعی مطلوبی هم برخوردارند؛ به ویژه این رابطه در زمینه روابط خانوادگی بیشتر است.

□ پس از مشخص شدن ارتباط بین نگرش مذهبی و رابطه پدر - فرزندی با سازگاری اجتماعی به منظور تعیین همبستگی چندگانه این دو متغیر از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ موجود است.

جدول ۳. رگرسیون چند متغیره سازگاری اجتماعی بر اساس متغیرهای پیش‌بین

ترتیب ورود	شاخصها متغیر	R	R ²	S.S	DF	MS	F	P	B	SE B	T	P
۱	رابطه پدر-فرزندی	0/33	0/11	2059/48	1	2059/48	32/18	0/01	0/33	0/06	5/2	0/01
۲	نگرش مذهبی	0/35	0/13	2368/2	1	1184/12	18/78	0/01	0/16	0/07	2/2	0/05
۳	عدد ثابت								21/62	8	2/69	0/01

جدول ۳ نتایج رگرسیون با روش «سلسله مراتبی»^{۱۲} را ارائه می‌دهد. در روش سلسله مراتبی در هر مرحله متغیر پیش‌بین بر اساس ملاک ($F < 0/05$) متغیر وارد تابع و ($F > 0/01$) از تابع خارج می‌شود.

□ اولین متغیری که بر طبق ملاک فوق وارد شده، متغیر رابطه پدر - فرزندی است. این متغیر با «سازگاری اجتماعی» فرزندان دارای همبستگی ($r=0/33$) بوده و مقدار ضریب تعیین آن برابر با ($R^2=0/11$) است که نشان می‌دهد یازده درصد از واریانس سازگاری اجتماعی فرزندان را تبیین می‌کند. نتیجه تحلیل واریانس نشان می‌دهد که ($F=32/18$ و $p < 0/01$) رابطه پدر - فرزندی با سازگاری اجتماعی دارای رابطه خطی معناداری است. بنابراین، مقدار ضریب پیش‌بینی این

متغیر برابر با $B = 0/33$ با خطای $SEB = 0/06$ است که طبق نتیجه آزمون تی ($T = 5/2$ و $p < 0/001$) به طور معناداری سازگاری اجتماعی دانش آموزان را پیش بینی کند.

□ در مرحله بعدی متغیر نگرش مذهبی وارد تابع شده است، این متغیر به اضافه رابطه پدر-فرزندی مقدار همبستگی را به میزان ($r = 0/35$) افزایش داده و ضریب تعیین آن برابر با $(R^2 = 0/13)$ است که نشان می دهد که ۱۳ درصد از واریانس سازگاری اجتماعی را همراه با متغیر پیشین تبیین می کند. این متغیر طبق نتایج تحلیل واریانس رابطه خطی معناداری ($p < 0/01$) و $(F = 18/78)$ با سازگاری اجتماعی دارد. بنابراین مقدار ضریب پیش بینی نگرش مذهبی ($\beta = 0/16$) با خطای $SEB = 0/07$ به طور معناداری ($T = 2/2$ و $p < 0/05$) می تواند سازگاری اجتماعی را پیش بینی کند.

بعد از این مرحله، متغیر دیگری وارد تابع نشد و متغیرهای، تحصیلات، سن والدین و جنس دانش آموز، خارج از تابع قرار گرفته است. بنابراین، تابع پیش بینی سازگاری اجتماعی در فرزندان جانباز و غیرجانباز به شرح ذیل می باشد و نشان می دهد که رابطه پدر-فرزندی و نگرش مذهبی در «سازگاری اجتماعی» فرزندان نقش حساسی را دارد.

$$\text{سازگاری اجتماعی} = 21/62 + (\text{نمره نگرش مذهبی} \times 0/162) + (\text{نمره رابطه پدر-فرزندی} \times 0/327)$$

طبق تابع فوق برای افزایش و بهبود سازگاری اجتماعی فرزندان نوجوان بایستی به مسئله رابطه پدر-فرزندی و نگرش مذهبی توجه نشان داد و آن ها را بهبود بخشید.

□ گام بعدی در تحلیل یافته ها بررسی تحلیل واریانس دو عاملی نگرش مذهبی و روابط پدر-فرزندی بر اساس گروه (جانباز و غیرجانباز) و جنس (دختر و پسر) بود که نتایج آن به ترتیب در جدولهای ۴ و ۵ درج شده است.

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل واریانس دو عاملی (ANOVA)

نگرش مذهبی بر اساس گروه و جنس

منبع تغییر	شاخصها	S.S	DF	MS	F	P
اثر گروه (جانباز و عادی)		175/42	1	175/42	3/44	0/064
اثر جنس		29/78	1	29/78	0/58	0/4
اثر گروه × جنس		715/05	1	715/05	14/04	0/01
خطا		22397/69	440			
کل		2329/64	443			

بنابر یافته‌های مندرج در جدول ۴، بین میانگین‌های نگرش مذهبی دانش‌آموزان گروه جانبازان و غیرجانبازان تفاوت معناداری وجود ندارد. هم‌چنین میانگین نگرش مذهبی دانش‌آموزان دختر و پسر نیز تفاوت معناداری باهم ندارد. اما اثر تعاملی گروه با جنس در نگرش مذهبی دانش‌آموزان تفاوت معنادار آماری ($p < 0/01$ و $F=14/04$) نشان می‌دهد. برپایه نتایج آزمون تعقیبی توکی مشخص شد که تفاوت معناداری ($p < 0/01$ و $MD=3/36$) بین نگرش مذهبی دانش‌آموزان پسر دارای پدر جانباز با میانگین ($108/35$) و دانش‌آموزان پسر دارای پدر غیرجانباز با میانگین ($104/5$) وجود دارد. دانش‌آموزان پسر گروه جانباز مذهبی‌تر از دانش‌آموزان پسر گروه غیرجانباز می‌باشند. اما بین میانگین نمرات نگرش مذهبی دانش‌آموزان دختر خانواده جانباز و غیرجانباز تفاوتی وجود نداشت.

جدول ۵. خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس دو عاملی (ANOVA)

روابط پدر - فرزندی براساس گروه و جنس

منبع تغییر	شاخصها	S.S	DF	MS	F	P
اثر گروه (جانباز و غیرجانباز)		381/52	1	381/52	5/02	0/05
اثر جنس		45/44	1	45/44	0/59	0/44
اثر گروه × جنس		135/53	1	135/53	1/78	0/18
خطا		30848/63	4/6			
کل		31379/92	409			

□ بر اساس جدول ۵، گروه جانبازان و غیرجانبازان تأثیر معناداری ($F=5/02$ و $p=0/05$) روی رابطه پدر-فرزندی دارد؛ به صورتی که میانگین رابطه پدر - فرزندی دانش‌آموزان فرزند جانباز ($M=57/84$) از دانش‌آموزان فرزند غیرجانباز یا عادی ($M=55/98$) بالاتر بوده و نشان می‌دهد که دانش‌آموزان فرزند جانباز با پدران خود رابطه بهتری نسبت به فرزند و پدر خانواده غیرجانباز دارند. بین دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری از لحاظ رابطه پدر و فرزندی وجود ندارد. یعنی دختران و پسران از لحاظ رابطه پدر و فرزندی یکسان هستند. تعامل گروه و جنس در رابطه پدر - فرزندی نیز اثر معناداری ندارد.

● بحث و نتیجه‌گیری

□ پژوهش حاضر «ارتباط بین نگرش مذهبی و رابطه پدر فرزندی را با سازگاری اجتماعی فرزندان

جانبازان و غیر جانبازان شهر تهران» بررسی کرد. یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن بود که سازگاری اجتماعی جامعه مورد مطالعه، یعنی دانش آموزان پایه‌های اول تا سوم دوره متوسط نظری، بالاتر از حد متوسط و در سطح مناسب و مطلوبی است. این سازگاری، به ویژه در پذیرش قالب‌های اجتماعی مرسوم در جامعه بسیار بالا بوده و نشان داد که دانش آموزان نوجوان معیارها و ملاک‌های قابل قبول جامعه خود را پذیرفته و آن را به درستی درک کرده‌اند. این یافته از این جهت مهم است که سازگاری اجتماعی یکی از عوامل مهم در فرایند «اجتماعی شدن» در دوره نوجوانی محسوب می‌شود. اجتماعی شدن فرایندی است که کودکان و نوجوانان به کمک آن، ارزش‌ها، اعتقادات و معیارهای رفتاری را که فرهنگشان از آنان انتظار دارد را می‌آموزند (ماسن، ۱۳۶۸).

مقایسه توصیفی سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و غیر جانباز مبین آن بود که فرزندان جانبازان نمرات نسبتاً بالاتری نسبت به فرزندان خانواده‌های غیر جانباز داشتند و تفاوت در شش مقیاس سازگاری اجتماعی مشهود بود. بررسی رابطه پدر - فرزندی در جامعه مورد مطالعه آشکار کرد که رابطه پدر - فرزندی کل جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد و این رابطه نزد خانواده‌های جانبازان مطلوب‌تر از خانواده‌های غیر جانباز بود. چنانچه پیشتر آمد رابطه پدر-فرزندی عاملی مهم در سازگاری روانی - اجتماعی به شمار می‌رود (ویل واك و بلاك، ۱۹۸۸؛ افروز، ۱۳۷۷). میزان نگرش مذهبی دانش آموزان گروه غیر جانباز و فرزندان جانبازان نیز بالاتر از حد متوسط بوده و بیانگر نگرش مذهبی قوی جامعه مورد مطالعه بود. این میزان نیز نزد فرزندان جانبازان بالاتر از فرزندان خانواده‌های غیر جانباز بود.

□ یافته‌های تحلیلی در خصوص چگونگی رابطه بین نگرش مذهبی با سازگاری اجتماعی فرزندان جانبازان و غیر جانبازان آشکار نمود که «نگرش مذهبی» همبستگی مثبتی با «سازگاری اجتماعی» فرزندان جانبازان و غیر جانباز دارد؛ این همبستگی به ویژه در زمینه‌های پذیرش قالب‌های اجتماعی مرسوم در جامعه، کسب مهارت‌های اجتماعی و نیز روابط خانوادگی معنادار بود. این نتیجه با نتایج مطالعات دیز و میرز (۱۹۹۵) و کلوسن (۱۹۹۳)، همسو می‌باشد. یافته‌های هر دو پژوهش فوق نشان می‌داد که نگرش مذهبی با احساس شادی و خوشبختی در زندگی و قابلیت سازگاری در اجتماع ارتباط دارد.

□ یافته‌های پژوهش در مورد روابط پدر - فرزندی با سازگاری اجتماعی فرزندان خانواده‌های جانباز و خانواده‌های غیر جانباز نشان داد که بین روابط پدر - فرزندی با سازش اجتماعی به طور کلی و نیز سازگاری اجتماعی در حوزه قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های

اجتماعی، گرایش ضد اجتماعی، روابط خانوادگی و روابط اجتماعی همبستگی مثبتی دارد؛ این یافته با مجموعه یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله ویل و اک و بلاک (۱۹۸۸)، همسو است. ویل و اک و بلاک به این نتیجه رسیدند که هر موضوعی که باعث شود رفتار حمایتی پدر کمتر شود و در ارتباط با فرزندان از عصبانیت و تنبیه بدنی بیشتر استفاده کنند رابطه پدر - فرزندی مختل شده و تحت الشعاع قرار می‌گیرد. از آنجایی که رابطه پدر فرزندی یکی از عوامل مهم سازگاری روانی - اجتماعی است و در مطالعه ویسمه (۱۳۷۹)، نیز مشاهده شد که فرزندان با رابطه پدر - فرزندی قوی از افسردگی پایین‌تری برخوردار بودند؛ در این مطالعه نیز مشاهده می‌شود که فرزندان با رابطه پدر - فرزندی قوی از سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردار هستند.

□ یافته‌های رگرسیون چند متغیری سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان براساس نگرش مذهبی و رابطه پدر - فرزندی دانش‌آموزان آشکار کرد که رابطه پدر - فرزندی و نگرش مذهبی می‌توانند سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. طبق این تابع هر چه رابطه پدر - فرزندی قوی‌تر و نگرش مذهبی بالاتر باشد، سازگاری اجتماعی نیز بهتر خواهد بود. در بررسی میانگین نمرات چهارگروه دختر و پسر مشاهده شد که فرزندان پسر جانباز نسبت به فرزندان پسر غیر جانباز دارای نگرش مذهبی بالاتری هستند. به عبارت دیگر نگرش مذهبی فرزندان پسر جانبازان، قویتر از سایر گروه‌ها می‌باشد.

□ یافته‌های تحلیلی پژوهش مبنی بر متفاوت بودن روابط پدر - فرزندی براساس گروه جانباز و غیر جانباز و جنس (دختر و پسر) آشکار نمود که «گروه»، یعنی تعلق به خانواده جانباز و خانواده‌های غیر جانباز اثر معناداری در روابط پدر - فرزندی دانش‌آموزان دارد. به صورتی که رابطه پدر - فرزندی دانش‌آموزان فرزند جانباز از دانش‌آموزان فرزند غیر جانباز مطلوب‌تر است. بنابراین، رابطه پدر - فرزندی پدران جانباز از پدران غیر جانباز قوی‌تر و مطلوب‌تر است. این موضوع تفاوتی در فرزندان دختر و پسر ندارد و جانبازان هم با فرزندان دختر و هم با فرزندان پسر خود رابطه پدر - فرزندی مطلوبی دارند.

□ در این مقاله ضمن ارائه تصویری از وضعیت «سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان فرزندان جانباز و عادی و نیز نگرش مذهبی و رابطه پدر - فرزندی آنان» نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد که رابطه پدر - فرزندی و نگرش مذهبی توان پیش‌بینی و بهبود وضعیت سازگاری اجتماعی فرزندان را به طور معناداری دارا می‌باشد. این دو متغیر ملاک در بین فرزندان جانبازان وضعیت بهتری نسبت به فرزندان خانواده‌های عادی داشت. احتمالاً از این دو خصیصه مطلوب نزد پدران جانباز توانسته است تا حدودی محیط خانوادگی آنان را به سوی آرامش و تعادل روانی سوق

داده و از عوارض نامطلوب معلولیت پدر را کاهش دهد. در پایان پیشنهاد می‌شود متغیرهای به کار گرفته شده در پژوهش حاضر عیناً برای فرزندان شهید نیز در یک پژوهش جداگانه انجام شده تا نتایج آن با یافته‌های پژوهش حاضر مورد تایید قرار خواهد گرفت.

○ یادداشت نویسنده

این مقاله، براساس بخشی از طرح پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی فرزندان جانباز و عادی شهر تهران» با پشتوانه مالی معاونت پژوهشی «دانشگاه تهران» و «بنیاد مستضعفان و جانبازان» تهیه شده است. بدین وسیله از همکاران پژوهش آقایان دکتر مرتضی نصفت، دکتر باقر غباری بناب، دکتر محسن شکوهی یکتا و دکتر احمد به‌پژوه تشکر و قدردانی می‌شود.

یادداشتها

- | | |
|--|-----------------|
| 1- Non-psychosis | 2- Nosta logia |
| 3- Post Traumatic Srtess Disorder (PTSD) | 4- War neurosis |
| 5- Shell shock | 6- Rutter |
| 7- McCubbin | 8- Sheifer |
| 9- Validity | 10- Reliability |
| 11- California Test of Personality (CTP) | 12- Stepwise |

منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۷). پدر و پسرها، پیوند. شماره پیاپی ۲۲۹، ۱۲-۱۸.
- احدی، حسن. (۱۳۷۱). بررسی مسایل و مشکلات روانی - اجتماعی جانبازان. مجموعه مقالات سمپوزیوم بررسی عوارض عصبی - روانی ناشی از جنگ. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- تقدیسی، محمدحسین. (۱۳۶۴). مطالعه چگونگی سازگاری اجتماعی معلولین مرکز توانبخشی جانبازان انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) و ارایه پیشنهادها جهت بهبودی وضع آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- خدایاری فرد، محمد؛ غباری بناب، باقر؛ شکوهی یکتا، محسن. (۱۳۷۸). تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی دانشجویان. گزارش نهایی طرح پژوهشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- فرشیدفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). اثرات استرس ناشی از جنگ روی جانبازان و خانواده آن‌ها و تأثیرات خانواده درمانی روی آن‌ها. مجموعه مقالات سمپوزیوم بررسی عوارض عصبی - روانی ناشی از جنگ. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- قهاری، شهربانو (۱۳۷۵). بررسی مقایسه‌ای میزان شیوع اختلالات رفتار ایذایی و کمبود توجه، افسردگی و اضطراب فراگیر در کودکان شاهد، محروم از پدر، جانباز و عادی شهر چالوس، با ابزار کارشناسی CSI-4. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی ایران.

- کلانتری، مهرداد. (۱۳۷۲). اثرات غیرمستقیم جنگ بر روی کودکان. مقالات اولین سمپوزیوم سراسری استرس. تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران.
- ماسن و همکاران (۱۳۶۸). رشد شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: انتشارات ماد.
- محمدی، محمدرضا. و رضائیان، حمید. (۱۳۷۰). بررسی مشکلات رفتاری فرزندان جانبازان و شهدا در مدارس. مجموعه مقالات دومین سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی. تهران: انتشارات تربیت.
- نامداری، کورش. (۱۳۶۸). بررسی مشکلات روانی - اجتماعی جانبازان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- نوفلاح، احمد. (۱۳۷۹). بررسی رابطه میزان استرس فرزندان جانبازان با نوع جنبازی پدرانشان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- ویسمه، علی اکبر. (۱۳۷۹). بررسی رابطه میزان افسردگی فرزندان جانبازان با نوع جنبازی و نحوه ارتباط با پدرانشان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

Chadwick, B. A.; & Top, B. L. (1993). Religiosity and delinquency among LDS adolescents, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 32, (10).

Deborah, Y.; Turner, A.; & Romano, M. (1993). Children of chronic pain patients: Risk factors for a mal-adjustment. *Pain*, 52, 311-317.

Fairbank, J.; Schnenger, W.; & Caddell, M. (1993). Post traumatic stress disorder. *Comprehensive Handbook of Psychopathology*. New York: Plenum Press.

Kaplan, H.; Freedman, A. M.; & Sadock, B. (1980). *Comprehensive textbook of psychiatry*, Third edition, London: Williams & Willing.

Low, C. A.; & Handal, P. J. (1995). The relationship between religion and adjustment to college. *Journal of College Student Development*, 36(5), 406-412.

Parsons, J.; Kehle, J.; & Owen, V. (1990). Incidence of behavior problems among children of Vietnam war veterans. *School Psychology International*, 11, 253-259.

Thorpe, L. P.; Clark, W. W.; & Tiegs, E. W. (1953). *California Test of Personality Primary*. 1953 Revision Moterey, Calif. McGraw-Hill Book.

Villwock, D.; & Black, K. (1988). *Closeness in father-offspring relationships: Do differences linked to parental marital status persist in a multivariate approach?* Paper presented at annual meeting of the midwestern psychologics.

